

کمونیست‌ها و یا در کنار مخالفان آنها بایستند، اما نابوکف به دور از سیاسی‌نویسی‌های معمول، غم و شادی و امیدها و ناامیدی‌های آدم‌هایی را تصویر می‌کند که فقط «سیستم جدید» برای آنها غیرقابل تحمل است و ترک خانه و وطن و حتی غرور و ریشه‌ها و خاطرات خود را برمی‌گزینند، تا در رخوت و سستی در دیار غربت فقط روزگار بگذرانند و این نقطه قوت اثر است و شاید همین نقطه قوت باعث شده است که در آن شرایط حادی که یا باید موضع له یا علیه گرفته می‌شد کتابهایی از این دست مهجور ماندند.

اما نکته‌ای که از همان سطور اول رمان به چشم می‌خورد توصیف ریز به ریز و گزارشی و حتی توضیحی صحنه‌ها و وقایع است: «گانین مشغول تراشیدن ریش‌اش شد. این کار امروز به او لذت بخصوصی می‌داد. کسانی که ریش‌شان را می‌تراشند هر صبح یک روز جوان‌تر می‌شوند» (ص ۴۹)

دقت کنید که چطور حال پانسیون را توصیف می‌کند. یک گزارش کامل است: «هال یک راهروی لخت و بسیار تنگ بود. در هر طرف آن سه اتاق قرار داشت که شماره‌های‌شان با عددهای سیاه بزرگ روی درها چسبانده شده بود. این عددها برگ‌هایی بودند که از تقویم سال پیش کنده شده بودند. شش روز اول آوریل ۱۹۹۳. اول آوریل - در سمت چپ - اتاق آلفیوروف بود. بعدی از آن گانین، سومی به خانم صاحب‌خانه، لیدیا نیکولونا دورن، تعلق داشت - بیوه‌ی بازرگانی آلمانی که بیست سال پیش وی را از سارپتا آورده و خودش سال پیش از تب مغزی درگذشته بود. در سه اتاق سمت راست - ۴ الی ۶ آوریل - آنتوان سرگیویچ پوتیاگین، یک شاعر پیر روسی؛ کلارا، دختری با اندام

شاخص و چشمان شگفت‌انگیز قهوه‌ای مایل به آبی، و در اتاق ۶ در سر پیچ راهرو هم دو بالترین زندگی می‌کردند. کالین و گورنوتسوف...» (ص ۲۳ و ۲۴).

واقعاً که باید حرف ولادیمیر نابوکف را به خود وی تذکر داد که گاه در ایماژهای هنری و افسانه‌پردازی‌ها عصاره‌گیرتری از حقیقت وجود دارد تا در توصیف‌های صادقانه و پروسواس و ریز به ریز که بیشتر به درد گزارش و شرح و توضیح دادن می‌خورد تا اینکه اساس نثری هنری و داستانی باشد.

البته شاید توقع زیاد ما از نابوکف تا حدی از اینجا باشد که اگر چه وی در سال ۱۹۷۷ درگذشت، اما خواننده فارسی‌زبان نهایتاً ده سال است که او را می‌شناسد و این باعث شده که او را بیش از اندازه به روز بگیریم، درحالی‌که رمان «ماشنکا» در هفتاد و چهار سال پیش نوشته و چاپ شد و اگر ما در نقد آن، معیارهای ادبی همان زمان را در نظر بگیریم شاید نقاط قوت بیشتری به چشم‌مان بیاید.

نکته آخری که نمی‌توان از آن گذشت و در برخی از جملات به چشم می‌خورد نثر بد و غیرداستانی است که مترجم به کار می‌برد: «کلارا محض رعایت اصول پرسید» (ص ۳۴)، «از نوک گوش‌اش پیدا بود که لبخند می‌زد» (ص ۵۰)، «معمولاً اشغال خودش را جارو می‌زد» (ص ۷۵)... به علاوه اینها جدانویسی افراطی کلمات نیز عامل محکمی بوده است تا رمان با سهولت و روانی بیشتری خوانده نشود، چنانکه همسایه، دستکش، گلدان، سوگوار... در متن داستان به شکل‌های غریب هم‌سایه، دستکش، گل‌دان، سوگوار... آمده است.

پی‌نوشت:

۱- آن دنیای دیگر، آذر نفیسی، انتشارات طرح نو.

درگذشت پدر کاریکلماتور ایران

پرویز شاپور پدر کاریکلماتور ایران در سبخراک

پانزدهم مرداد ماه سال ۱۳۷۸ به سرای باقی شتافت

شاپور در پنجم اسفند ماه ۱۳۰۲ ش به دنیا آمد. دوران

تحصیل را در مدرسه دقیقی خانی آباد و مدرسه صنعتی

سپهری کرد. سپس دوره کارشناسی را در رشته اقتصاد

گذراند. اولین بار آثارش زادر ۱۳۳۳ ش در نشریات اهواز

منتشر کرد. در ۱۳۳۴ به تهران آمد و همکاری خود را با

نشریات «سپید و سیاه» و «توفیق» آغاز کرد. آثار او در

توفیق با نام‌های مستعار «کامیار» و «مهدخت» بیشتر

در صفحات دارالمجانین، سیدیات و یا با نام عقابید و آرا

به چاپ می‌رسید. مطالب کوتاه او اولین بار در (۲۰ خرداد

ماه ۱۳۳۶ در مجله «خوشه» با نام کاریکلماتور به چاپ

رسید. کاریکلماتور - نام پیشنهادی احمد شاملو -

تلفیقی از کلمه و کاریکلماتور بود. با مطرح شدن

کاریکلماتور، پرویز شاپور به عنوان طنزنویسی شناخته

شد و اولین کتاب کاریکلماتور او در سال ۱۳۵۰ توسط

انتشارات نمونه در تهران به چاپ رسید. شاپور علاوه بر

طنزنویسی، به کاریکلماتور هم روی آورد.

کاریکلماتورهای او طرح‌های ساده اما عمیق و ظریف از

اشیاء و موجودات اطراف ما بودند. نمایشگاه‌هایی از

طرح‌های او در سال ۱۳۵۲ در گالری زروان، در سال

۱۳۵۶ در نگارخانه تخت جمشید و در سال ۱۳۷۶ در

نگارخانه آریا برپا شد. طرح‌های شاپور در نشریات

«گرافیس سالانه» و «دیزاین جورنال» نیز به چاپ

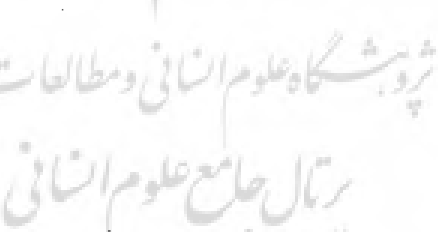
رسیده است. همچنین نمایشگاهی از آثارش به

مناسبت صدمین سال سینما در نمایشگاه «استاد اولم»

ترکیه برپا شد.

آثار شاپور عبارتند از:

- ۱- کاریکلماتور ۱، انتشارات نمونه، ۱۳۵۰
- ۲- کاریکلماتور ۲، انتشارات بامداد، ۱۳۵۴
- ۳- کاریکلماتور ۳، (با گردباز می‌رقصم)، انتشارات مروارید - ۱۳۵۴
- ۴- کاریکلماتور ۴، انتشارات مروارید، ۱۳۵۶
- ۵- کاریکلماتور ۵، انتشارات درخشش، ۱۳۶۰
- ۶- کاریکلماتور ۶، انتشارات مروارید، ۱۳۶۶
- ۷- موش و گربه عنیب زاکانی با طرح‌های شاپور
- ۸- شاپور، انتشارات نمونه، ۱۳۵۲، انتشارات مروارید، ۱۳۵۵
- ۹- فانتزی سخاو، قلمی، انتشارات توفیق، ۱۳۵۵
- ۱۰- تفریح‌نامه (طرح‌های مشترک کیژن آسلی‌پور و پرویز شاپور)، انتشارات مروارید، ۱۳۵۵



وداع با روسیه